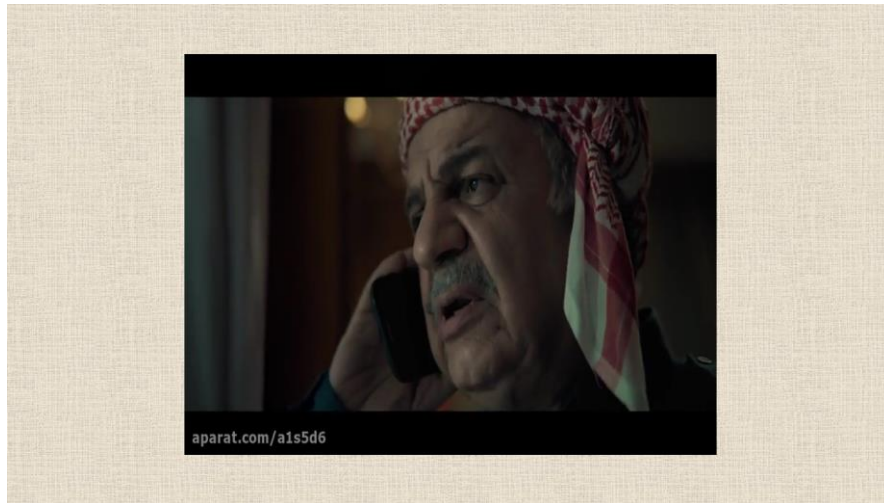


جنگ داعش در سوریه از سال ۲۰۱۱ تا الآن طول کشیده ولی بین این همه اتفاقات در سوریه حضرت آقا به اتفاق محاصره ۳۶۰ درجه تأکید کردند.

میدونید محاصره ۳۶۰ درجه یعنی چه؟؟ یعنی:

- یعنی محاصره کامل (دور تا دورت را دشمن گرفته باشد)
- یعنی از هر طرف بخوای بری، رفتی تو بغل داعش

- یعنی آب و برق قطع
- یعنی آذوغه تمام شده بود
- یعنی همه ی مجامع جهانی سکوت کرده بودند.
- یعنی نه راه پس داری نه راه پیش
- همه اسباب و ابزار دنیا برای نجات بسته شده‌اند.
- یعنی ناموست در خطر



کجاها محاصره ۳۶۰ درجه شد؟

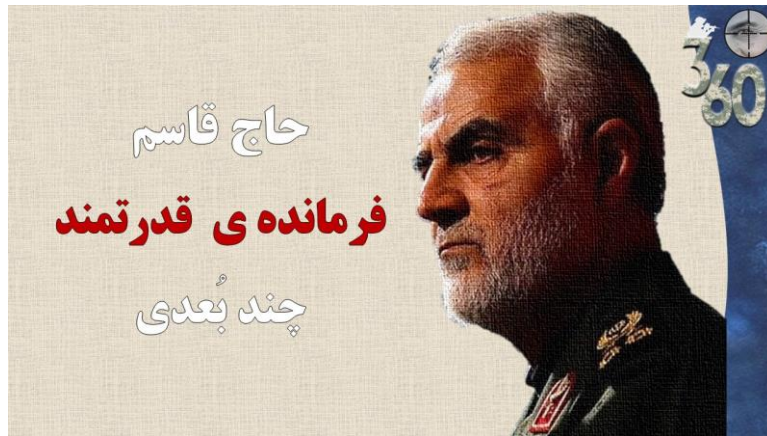
این وضعیت برای دو منطقه بوده؛ اربیل و آمرلی.

آمرلی که نزدیک ۱۵۰ کیلومتری مرز ایران است و داعشی‌ها به راحتی و سرعت می توانستند به مرز ایران برسند. حاج قاسم هر جا مظلوم بوده می‌رفته. برایش دفاع از مظلوم مهم بوده، نه شیعه و نه سنی و نه هر کیش و آیین دیگر برایش اهمیت نداشت، چه آمرلی شیعه نشین، چه اربیل که مردم آن سنی بودند؛ چیزی که برای حاج قاسم مهم بود، نجات مظلوم بود.

برای همین در محاصره اربیل زمانی که مسعود بارزانی از همه جا ناامید شده بود، حاج قاسم و ابومهدی المهندس به دادش رسیدن و از محاصره داعش نجاتش دادن. داعش پشت دروازه‌های اربیل عراق رسیده بود. همان داعشی که زن‌ها را به اسارت می‌برد و می‌فروخت؛ رهبر کردها، مسعود بارزانی، خطر را بیخ گوشش احساس می‌کرد. با آمریکایی‌ها تماس گرفت، جواب رد دادند. با انگلیسی‌ها هم تماس گرفت، محل نگذاشتند. با ترکیه، فرانسه، حتی عربستان! اضطراب و اضطراب فوران کرده بود. تنها یک مرد مانده بود، حاج قاسم سلیمانی! با ایران تماس گرفت؛ تنها کسی که تماس کردها را بی پاسخ نگذاشت او بود؛ چون با منویات و مبانی قرآنی رهبری برای همه این تصمیمات آگاهی کامل داشت. قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس. گفت: «کاک مسعود! تا فردا مقاومت کنید، بعد از نماز صبح در اربیل خواهیم بود. امشب استان اربیل را حفظ کنید.» حرفش را عملی کرد و خودش را رساند به آن‌ها. ظرف ۲۴ ساعت همه مشکل را حل کرد و داعش را از اربیل عراق دور کرد.^۲

^۱ بقره، ۱۹۳.

^۲ yun.ir/holbt خبرگزاری صدا و سیما.



نکته ی مهم که در شخصیت حاج قاسم هست، اینه که حاجی تک بُعدی نبود؛ یعنی همین حاج قاسمی شهرهای در معرض سقوط را از چنگ دشمن نجات می دهد، ابعاد دیگری دارد که همه ی انسان ها را مجذوب خودش می کند. برخلاف سایر فرماندهان نظامی دنیا.

اسلاید ۷



من به عنوان نمونه گوشه ای از کارهای چند ژنرالهای نظامی مطرح دنیا را براتون عرض می کنم:

۱- ژنرال ماریو روآتا- «هیولای سیاه» ایتالیا

ژنرال ایتالیایی که بی‌رحمانه تمام مردم را حتی غیر نظامیان را قتل عام کرده و به گفته یکی از سربازانش تنها در یکی از عملیات‌ها تمام افراد دشمن را کشته است و حتی به خانواده‌ها هم رحم نکرده است. یا به آنها شلیک کرده‌اند و یا تا حد مرگ آنها را کتک می‌زده‌اند.

۲- لاوُرنتی بریا، «سگ استالین» (Beria, Lavrenti)

رئیس بدنام پلیس مخفی اتحاد جماهیر شوروی سابق (۱۹۳۸-۱۹۵۳) بیشتر برای تهدید و ارباب مردم شوروی در سال‌های پیش و پس از جنگ جهانی دوم معروف است. نیروهای تحت خدمت او، با دستور استالین^۳، در سال ۱۹۴۰ حدود ۲۲۰۰۰ تن از افسرها، پلیس‌ها، پزشکان و مردم عادی لهستانی را در کشتار کاتین به قتل رساندند. او میلیون‌ها تن از اسرا را که در کمپ‌های گولاگ نگهداری می‌شدند، مجبور به کار برای شوروی در حال جنگ کرد. یکی از پروژه‌های بریا در طول جنگ جهانی دوم «مرگ بر جاسوسان» نام داشت که طی آن، بسیاری از سربازان دشمن که در حال عقب‌نشینی بودند، کشته شدند. یکی از عجیب‌ترین کارهای استالین این است که در جنگ جهانی دوم از سربازانش توقع حیوان بودن و دور از عقل و کمالات انسانی و رحم و مهربانی، داشت لذا قصد داشت ارتشی کامل از سربازان نیمه انسان نیمه میمون تشکیل دهد. ایده وی این بود یک ارتش هیبریدی از میمون‌های انسان نما می‌تواند یک ابزار نظامی بی نقص باشد افرادی هم مثل هیتلر ۲۰ میلیون نفر را کشتند

۳- دکتر یوزف منگل - «فرشته‌ی مرگ»

تنها عامل بدنامی دکتر منگل، همکاری او با جانپان نازی نیست. او علاوه بر این مورد، به دلیل آزمایشات بی‌رحمانه‌ی پزشکی‌اش که در کمال خونسردی انجام‌شان می‌داد، بدنام است. حقیقت تلخ درباره‌ی منگل آن است که هرگز دستگیر نشد. منگل برای خدمت به شبه‌علم‌های مطرح‌شده توسط نازی‌ها، از موقعیت خود در آشویتس سوء استفاده می‌کرد و از نمونه‌های انسانی برای آزمایش‌های جنون‌آمیز پزشکی خود بهره می‌برد و طبعاً سرنوشت و بلایی که سر این «نمونه‌ها» می‌آمد، کوچک‌ترین اهمیتی برای منگل نداشت.^۴

۴ و ۵ - ژنرال ایوانه ماتسونی و هیسانو تانی، قصابان نانکینگ

این دو مرد به همراه چند تن دیگر، عامل وقوع یکی از شنیع‌ترین و دهشتناک‌ترین کشتارهای جنگ جهانی دوم، کشتار نانکینگ، بودند. در برخی وقایع‌نگاری‌ها، گفته می‌شود که جنگ جهانی دوم در اصل از سال ۱۹۳۷ آغاز شد، زمانی‌که ارتش سلطنتی ژاپن به چین حمله نمود. در اواخر همان سال، ارتش ژاپن تهاجم گسترده‌ای را علیه شهر نانکینگ چین آغاز کرد. ارتش چین که غافلگیر شده بود، به سوی دیگر رود یانگ‌تسه عقب‌نشینی کرد. طی ۶ هفته، نیروهای ژاپنی شنیع‌ترین رفتار را از خود نشان دادند و چنان کردند که اشغال شهر توسط آن‌ها، با نام «تجاوز به نانکینگ» در صفحات تاریخ ثبت گردید. در این مدت، ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار چینی کشته شدند و به ۲۰ هزار زن چینی تجاوز گردید. با پایان جنگ، فرماندهان این اشغال فاجعه‌بار در دادگاه لاهه محاکمه شدند. ژنرال ماتسونی به جرم طفره رفتن «تعمدی و بی‌پروا» از وظایف خود و «عدم اتخاذ فرمان‌های مناسب برای حفظ اوضاع»، گناهکار شناخته شد. ژنرال تانی هم حکمی مشابه دریافت نمود و به جرم جنایت در نانکینگ گناهکار اعلام شد و به اعدام محکوم گردید. دیگر فرماندهان مسئول شکل‌گیری این جنایت، مانند شاهزاده کان‌این و ایسامو چو، آن قدر خوش‌اقبال بودند که پیش از پایان جنگ مردند. چو بخاطر صدور دستور قتل تمامی اسرا، گناهکار بود.

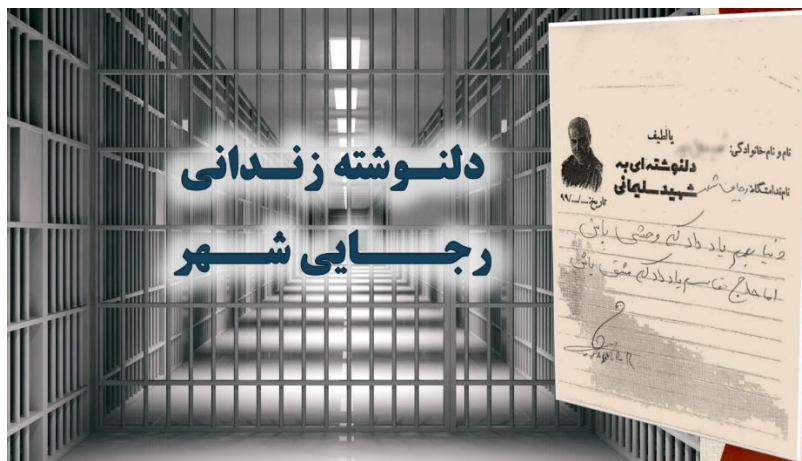
اگر بخوام فرماندهان بی رحم و خونخوار جهان رو براتون لیست کنم، خیلی بیشتر از چهار پنج نفر هستن؛ ولی همین چند نمونه برای پی بردن به این نکته کافیه، که:

^۳ نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی پیشین، ملقب به مرد پولادین.

^۴ <https://www.1pezeshk.com>

فرماندهان نظامی مطرح دنیا، بر خلاف حاج قاسم، تک بُعدی بوده اند. یعنی روحیه ی خشن اونها به قدری زیاد بود که سایر ابعاد انسانی در آنها از بین رفته بود و به یک جانور وحشی بی رحم تبدیل شده بودند. به تعبیر قرآن:
أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ^۵

اسلاید ۸



ولی حاج قاسم و **ابومهدی المهندس اینطوری نبودند؛** درسته که ۴۰ سال در میدان جنگ بود؛ اما مثل خیلی از فرماندهان دنیا، وحشی نشد.
این چیزی بود که همه فهمیده بودند.
این حرف زمانی معنا پیدا می کنه که میبینیم یک زندانی در دل زندان رجایی شهر کرج، توی دلنوشته اش به مناسبت سالگرد حاج قاسم، اینطور نوشته بود:
دنیا بهم یاد داد که وحشی باش
اما حاج قاسم یاد داد که مشتی باش

شاید فکر کنیم اون بنده خدا به حرفی رو از روی احساس زده، ولی اینطور نیست؛ هر کسی که به زندگی حاج قاسم نگاه می کنه و ابعاد شخصیتی او را متوجه میشه، میفهمه حاج قاسم مشتی بوده.
مشتی یعنی تو اوج قدرت، برای بچه های یتیم شهدای مدافع حرم، مثل یک پدر مهربان و دلسوز بوده.



برای نمونه، یکی از خاطرات جالب خانواده ی شهدا از حاج قاسم رو از زبان فرزند شهید اکبری خدمت شما عرض می کنم:

نگاهم را دوختم به قاب عکس روی دیوار. «مرد حسابی! تو یه دونه پسر داشتی میداشتی براش زن میگرفتی بعد میرفتی شهید میشدی، رفتیم خواستگاری، من را پدر عروس خانم ضایع کرد. گفت بابات کجاست؟ من یه دانشجو هستم، اصلا آداب خواستگاری و مهریه برون رو نمیدونم . بابا! رفیقات میگن شهدا حاضر و ناظرند، شهدا دستگیری میکنن، نمیخوای از یه دونه پسرت دستگیری کنی؟ نمیخوای فردا شب جلو طایفه عروس سر بلند باشم؟»
 هق هق گریه من را از نفس انداخته بود، نفهمیدم کی خوابم برد.

دست انداختم دور گردن بابا. گفتم: «بابا فردا شب خواستگاری منه.»

گفت: «همه رو میدونم، اصلا نگران نباش. رفیقمام درست گفتم شهدا حاضرین، ناظرین.

نگران نباش دستت رو میگیرم. به جان بابا فردا شب یه کاری میکنم که مراسم خواستگاریت تا آخر عمر زبانه زد طایفه عروس باشه.

یه کاری میکنم مراسمت خیلی با آبرو برگزار بشه.

فردا شب یکی از رفیقمام میاد توی مراسم درباره مهریه و همه چی حرف میزنه.

خودش خواستگاری رو مدیریت میکنه.»

ساعت سه نیمه شب بود که از خواب پریدم.

بدو کاغذ و خودکار آوردم تمام آنچه بابا در خواب گفته بود، یادداشت کردم و زیرش امضا زدم.

نوشته را گذاشتم تو پاکت و دادم به مادرم.

در را که باز کردم، چشم هایم تارشد. طایفه عروس شانه به شانه نشسته بودند.

دوباره حس بی کسی آمد سراغم. یعنی محاصره ۳۶۰ درجه در آبروی اجتماعی

به حرف های دیشب بابا فکر میکردم که یکهو گوشی مادرم زنگ خورد. نمی دانستم پشت خط که بود؛
مادر بلند شد ایستاد: « شما الان توی این خیابونید؟ جلوی این آپارتمانید؟ پس بفرمایید داخل».

مادر با دلی قرص گفت: « یه مهمون هم از طرف ما میاد».

همهمه بود، کسی زیاد توجه نکرد. زنگ در خانه را زدند. درسالن باز شد، حاج قاسم سلیمانی آمد داخل. مادر عروس با
اسپند به استقبال آمد، عروس گریه کرد، یکی عکس سلفی انداخت، یکی زنگ زد خبر داد که فلانی! تو که دوست
داشتی با حاج قاسم عکس یادی بگیری، بیا اینجا.
شور و شوق فامیل که خوابید، حاجی رو به عروس گفت: «دخترم! مهریه چقدر؟» خودش همه مراسم را مدیریت کرد.
همانطور که بابا گفته بود.

به مادرم گفتم: «اون پاکت رو بده حاجی».

حاج قاسم میخواست نامه را بگذارد تو جیبش که گفتم: «بخونش حاجی».

نامه را خواند: «الان ساعت سه نصفه شب، بابام رو خواب دیدیم.

گفت شهدا حاضرین ناظرین، ما هواتون رو داریم. بابا یکی از رفیقام رو میفرستم توی مراسمت میاد، مراسمت با شکوه
میشه. اصلاً نگران نباش. رفیقم جلسه خواستگاری رو مدیریت میکنه !!
حاجی با دست قطره های اشکش را پاک میکرد تا رو کاغذ ردی به جا نگذارد.
دم بابا گرم رفیقش را فرستاد بود، آن هم گل سرسبزشان را».

مشتی بودن حاج قاسم یعنی همین. یعنی تواضع در اوج قدرت.

اسلاید ۱۰



نه فقط حاج قاسم، تمام شهدای ما اینگونه بودند؛ اصلاً حاج قاسم یک فرد نیست، بلکه یک جریان است.

راه حاج قاسم راه همه ی شهدا بود. یعنی همه شهدای ما مشتهی بودند در نقطه ی مقابل، جریان وحشی گری دشمنان ما هم فقط به چند نفر خلاصه نمی شه؛ بلکه آن طرف هم یک جریان وجود دارد که حیوانات وحشی زیادی را تربیت کرده است.

اسلاید ۱۱



این کجا و شهدای عزیز ما که در اوج قدرت، دلسوز و مهربان و بشر دوست بودند. به قول اون مددجوی زندان، مشتهی بودن.

قناسه چی بود فرمانده بهش گفت اون فرمانده عراقی رو بزن نگاه دوربین سلاحش کرد سلاح رو آورد پایین فرمانده بهش گفت «بهترین موقعیته این همونیه که کلی از بچه های مارو زده بزنش» دوباره یه نگاهی به دوربین سلاحش کرد گفت «حاجی نمیتونم بزنمش» فرمانده بهش گفت بابا محاصره ۳۶۰ درجه بحران هستیم چرا نمیزنیش گفت «حاجی آخه داره آب میخوره!!!»
یا شهید احمد کشوری:

یک بار از ایلام برای هدف قرار دادن مواضع مهمات عراقی ها رفته بود. به آن روستا و نزدیکی انبار مهمات که رسیده بود، از بالا زنی را دیده بود که بچه ای در کنارش ایستاده و در حال آویزان کردن لباس روی طناب بوده، احمد از همان جا بدون آن که شلیک کند، برگشته بود.
همه اعضای گروه پرواز به او اعتراض کردند که چرا ماموریت را کنسل کردی؟ ولی احمد دلش راضی نشده بود که روستاییان را بمباران کند گفته بود: ما با افراد غیر مسلح دشمنی نداریم. (سرهنگ بابا جانی).

یا مثل شهید عبدالرسول زرین که فیلم سینمایی اش رو هم ساختند.

توی یکی از سکانسهای همین فیلم، نشون میده که عبدالرسول وقتی میبینه سرباز عراقی داره نماز میخونه، بهش تیر نمیزنه؛ در صورتی که میدونه ممکنه اگه نکشدش، اون سرباز عبدالرسول رو بکشه. میگه این بنده خداها رو گول زندند.

اسلاد ۱۲



به عنوان مثال تک تیرانداز معروف آمریکایی، دیلارد جانسون. رکورددار کشتن انسان توسط یک نفر. کسی که به تنهایی ۲۷۴۶ نفر را به قتل رساند و اسمش برای همیشه در تاریخ آمریکا ثبت شد. وی که از کودکی علاقه شدید به کشتن با تفنگ داشته، از سال ۱۹۸۶ وارد ارتش آمریکا شده و در سال ۲۰۰۳ به عراق اعزام شده است و به گفته خودش هیچ احساس گناهی به خاطر کشتن این همه انسان ندارد.^۷

اسلاید ۱۳



به فرموده ی امیرالمومنین علیه السلام، این خاصیت دنیاست که اهل خودش رو مثل حیوانات درنده میکنه.

فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَ سِبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَبْرُهُنَّ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَيَأْكُلُ عَزِيْزُهَا ذَلِيْلَهَا وَيَقْهَرُ كَبِيْرُهَا صَغِيْرَهَا
نَعْمٌ مُّعَقَلَةٌ وَ أُخْرَى مُهْمَلَةٌ قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولَهَا وَ رَكِبَتْ مَجْهَوْلَهَا سُرُوْحٌ عَاهَةٌ بِوَادٍ وَعَثٌ

لَيْسَ لَهَا رَاعٍ يُقِيْمُهَا وَ لَا مُسِيْمٌ يُسِيْمُهَا

سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيْقَ الْعَمَى وَ أَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَن مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا وَ غَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا وَ اتَّخَذُوْهَا رَبًّا
فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَ لَعِبُوا بِهَا وَ نَسُوا مَا وَرَاءَهَا^٨

دنیا پرستان سگانی فریاد زننده، و درندگانی شکار کننده هستند، یکدیگر را می‌گزند، زورمندش ضعیفش را می‌خورد، و بزرگش به کوچکش به قهر و غلبه حمله می‌کند.

گروهی از دنیاداران چهار پایانی مهار شده، و دسته‌ای حیوان رها شده‌اند، عقول خود را از دست داده، و به راه نامعلوم قدم نهاده‌اند،

حیوانی چند که در چراگاه آفت که قدم در آنجا قراری ندارد سر داده شده‌اند، نه چوپانی که از آنان نگهداری نماید، و نه چراننده‌ای که آنها را بچراند،

دنیا آنان را به راه کوری و ضلالت برده، و دیدگان‌شان را از دیدن علائم هدایت فرو بسته، در وادی حیرت دنیا سرگردان، و در نعمت‌هایش غرق، و آن را به عنوان ربّ انتخاب کرده‌اند، از این رو دنیا با آنان و آنان با دنیا به بازی پرداخته‌اند، و آنچه را به دنبال آن است فراموش کرده‌اند.

البته این رو باید بگم که منظور از اهل دنیا، تمام مردم دنیا نیست. اهل دنیا یعنی کسانی که جز دنیا به چیز دیگه ای فکر نمی‌کنند و دنیا برایشون خدا شده.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى *
(سوره طلق آیه ۶ و ۷)

360

طبیعت توانگری طغیان است.



این طبیعت قدرته که انسان طغیانگر میشه این که ادما وقتی به قدرت میرسند طغیانگر میشوند
كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى * (که آنها این نعمت ها را شکر کنند بلکه) به یقین انسان طغیان می
کند، برای اینکه خود را بی نیاز می پندارد این که انسان، خودش را غنی ببیند و مستغنی به حساب بیاورد، او را به
طغیان وادار خواهد کرد. ملاحظه بفرمایید، دردهای همیشگی بشر، همینهاست. درد بزرگ بشریت، از زمان حضرت آدم
و ماجرای پسران آدم تا همیشه دنیا، خودخواهی و خودپرستی و سرتافتن از اطاعت خدا و ظلم و تبعیض و جهل است
که بر اثر جهالت و ناآگاهی، راه را خطا می کند و پیامبران و راه هدایت را نمی شناسد و با کوته بینی خود، آنچه را که
ناصواب است، صواب می پندارد.^{۱۰} طبیعت توان گری طغیان است

بعضی چیزها هست که انسان رو مست میکنه. یعنی مستی بدون شراب مثل سکر مال سکر علم سکر مدح و...
امام علی علیه السلام

يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرَسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَ سُكْرِ الْقُدْرَةِ وَ سُكْرِ الْعِلْمِ وَ سُكْرِ الْمَدْحِ وَ سُكْرِ الشَّبَابِ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحًا خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ
وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ.^{۱۱}

برای عاقل سزاوار است که از مستی:

- ۱- ثروت
- ۲- قدرت
- ۳- علم
- ۴- تعریف دیگران (مدح)
- ۵- جوانی

دوری گزینند، زیرا برای تمام اینها رائقه ی نامطبوعی ست که عقل را سلب و وقار را کم می کند.

^۹ سوره طلق آیه ۶

^{۱۰} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۱۱/۲۴

^{۱۱} غررالحکم ص ۷۹۷

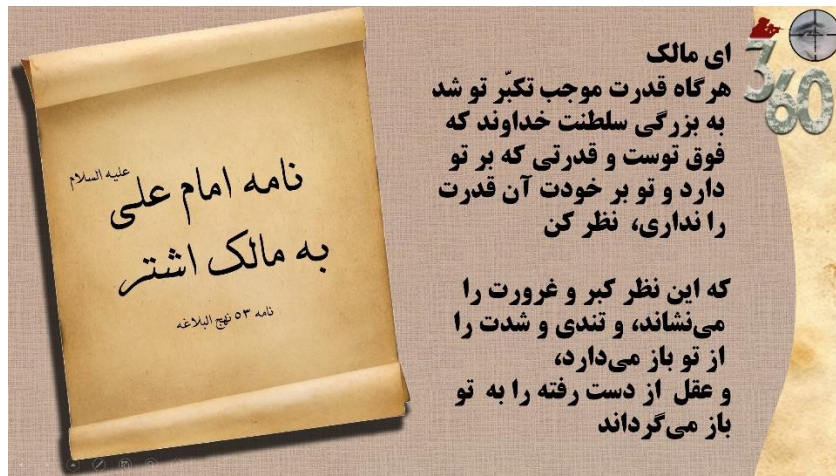
اسلاید ۱۵



حالا به سوال:

حاج قاسم هم که در اوج قدرت بود چرا این قدرتش، مستش نکرد؟

اسلاید ۱۶



جواب این سوال رو میخوام براتون از زبان امام علی علیه السلام بگم؛ وقتی حضرت، مالک اشتر را به عنوان فرمانروای سرزمین بزرگ مصر منصوب کرد، به فرمان نامه ی مفصلی برای او نوشت که توی اون، ریزترین نکات مدیریتی را برای مالک بیان کرد.

یکی از اون دستوراتف راهکاری برای کنترل تکبر و جلوگیری از مستی قدرت است. حضرت به مالک اینطور نوشت:

اِذَا أَحَدَتْ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَ يَكْفُ عَنْكَ مِنْ غَرْبِكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشَبُّهَ بِهِ فِي جَبْرَوْتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يَهِينُ كُلَّ مُخْتَالٍ^{۱۲}

هرگاه حکومت برای تو خود بزرگ بینی و کبر به وجود آورد، به بزرگی سلطنت خداوند که فوق توست و قدرتی که بر تو دارد و تو را بر خودت آن قدرت و توانایی نیست نظر کن، که این نظر کبر و غرورت را می‌نشاند، و تندی و شدت را از تو باز می‌دارد، و عقل از دست رفته را به تو باز می‌گرداند. از برابر داشتن خود با عظمت حق، و از تشبّه خود با جبروت خداوند بر حذر باش، که حضرت او هر گردنکشی را خوار، و هر متکبری را بی‌ارزش و پست می‌کند

حاج قاسم همه چی رو از خدا میدونست حاج قاسم مست خدا بود آنقدر غرق لذت بندگی خدا بود که از قلدری و مستی قدرت، تنفر داشت در دعای کمیل از خدا، اعضای قوی برای خدمت و بندگی می‌خواست قَوْ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ اَشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي. اندام مرا بر خدمت گزاری ات نیرومند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار^{۱۳} سردار حسین معروفی می‌گه: بارها گفتم طی سال‌ها رفاقت با حاج قاسم هیچ وقت ندیدم نماز شب شهید سلیمانی قطع شود. آن هم نه نماز شبی عادی، نماز شب‌های او همیشه با ناله و اشک و اندوه به درگاه خدا بود. من با شهید سلیمانی رفت و آمد داشتم حتی بارها در منزل‌شان خوابیدم، اتاق مهمانان با اتاق حاج قاسم فاصله داشت اما من با اشک‌ها و صدای گریه‌ها و نماز شب و مناجات شبانه او برای نماز بیدار می‌شدم.^{۱۴}

این رو بهتون بگم که خیلی از شهدای ما اینطور بودند

^{۱۲} نهج البلاغه نامه ۵۳

^{۱۳} مصباح المتعبد : ص ۸۴۹.

^{۱۴} <https://www.jahannews.com/news/۷۱۶۱۳۳>.



شهدا شیران روز بودند و عابدان شب... همون رزمنده ایی که روز دلیرانه جلوی یک گردان عراقی قد علم می کردند و همه رو به زانو در می آورد همون رزمنده شب ها عارفانه و زاهدانه در مقابل خدا به سجده در میامد. ادم هایی بودند که از دنیا منقطع میشدند نه این که ابزار دنیا را استفاده نمیکردند. اما همه چی رو این نمی دانستند.



مثل اینکه اگہ یک دستگاہ مستقیم بہ پریز برق وصل باشہ دائم روشنہ اما اگر بہ باتری و پاوربانک وصل باشہ یک مدت محدودی روشن میمونہ چون پاور ذخیرہ قدرتش، محدود ہست۔
 انسانہا ہرچقدر ہم کہ قدرت و... داشتہ باشند، باز ہم محدود ہستند۔ اگہ کسی دلش بہ مقام، عنوان، حسب و نسب و اقوام و پدر و... خوش باشہ، باید بدونہ کہ ہمہ ی اینہا یہ روز تموم میشن و قدرت و توانشون بسیار محدود و شکنندہ ست؛ تنہا قدرتی کہ پایان ندارد قدرت خداست۔

اسلاید ۱۹

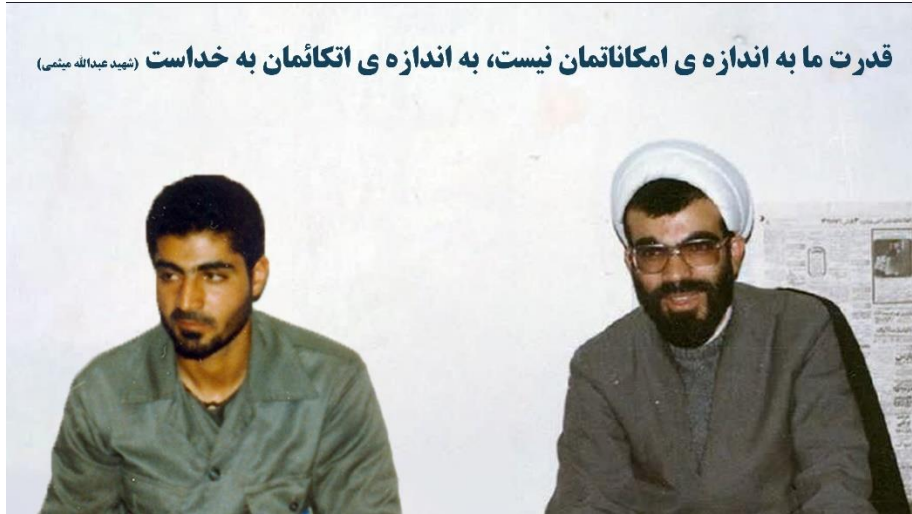


یعنی سیمش بہ خدا وصل بود

راز قدرت حاج قاسم این بود کہ بہ قول معروف سیمش بہ خدا وصل بود۔
 یعنی از ہمہ غیر خدا بریدہ بود و فقط بہ خودِ خودِ خدا وصل شدہ بود۔

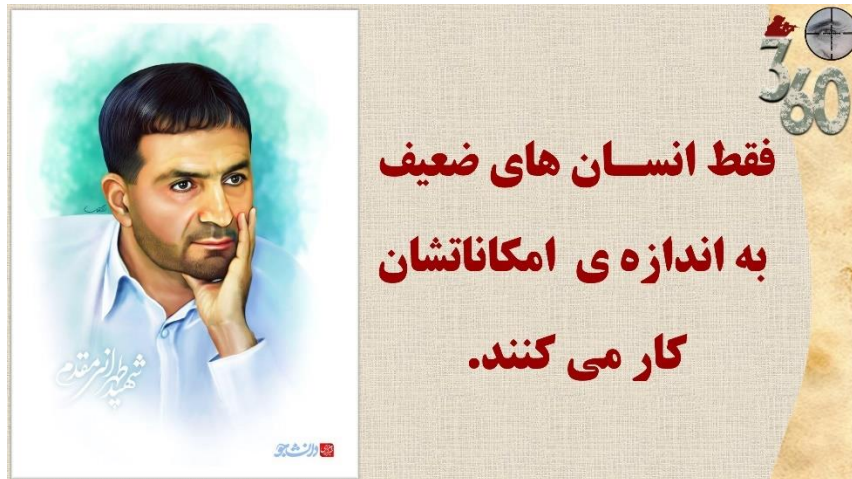
بعضیا برکه اند برکه اگر به چشمه وصل باشه همیشه سر حاله و جاریه اگر به چشمه وصل نباشه راکد میمونه و بو میگیره ولی حاج قاسم به اصل چشمه وصل بود، به همین خاطر راکد نبود. یعنی خدا در تحلیل هاش بود. از خدا حرف میزد.

اسلاید ۲۰



مثل شهید حاج عبدالله میثمی که همیشه می گفت:
قدرت ما به اندازه ی امکاناتمان نیست، به اندازه ی اتکائمان به خداست.

اسلاید ۲۱



یا به قول پدر صنعت موشکی ایران، شهید عزیز حاج حسن طهرانی مقدم، فقط آدمهای ضعیف به اندازه ی امکاناتشان کار می کنند.

وقتی به خدا وصل بشی دو تا اتفاق برات میوفته:

۱- اینکه خدا میاد کمکت و قوی میشی خدا تمام قد میاد وسط و همه رو سرباز تو میکنه.

شهادای ما همیشه سعی می کردند همه را به قدرت بی انتهای خدا متوجه کنند، و خودشان قبل از همه روی قدرت خدا بیشترین حساب رو باز می کردند.

می گفتن من و خدا، همه تون.....

روی قدرت و ادوات و سربازها و ش حساب نمی کردن، نمی گفتن به نام سربازانم، قدرت جنگی ام، سردوشی های

روی لباسم و....

می گفتن به نام:

اسلاید ۲۲



به نام خداوند قوی از ناوهای آمریکا

دکتر قدیری ابیانه، در مصاحبه ی خود در رابطه با این جمله اینطور می گوید:

من مناظره در برنامه های تلویزیونی زیاد داشتم. از جمله، دو مناظره در ایتالیا داشتم؛ در مناظره اول که در فروردین ۱۳۵۹ بود، درگیری هایی میان ایران و عراق بود، ولی جنگ رسماً شروع نشده بود و شش ماه به آغاز رسمی جنگ مانده بود، ولی مسئله گروگان ها در اوجش بود، کارتر هم اعلام قطع رابطه با ایران را کرده بود و ناوهای آمریکا در خلیج فارس، آرایش تهاجمی به خودشان گرفته بودند و هر آن از نظر افکار عمومی جهانی، انتظار می رفت آمریکا به ایران حمله کند. قرار شد در میزگردی با مسئولین مطبوعاتی سفارتخانه های آمریکا و عراق، شرکت کنم و من اعلام کردم که «حاضر نیستم با دیپلمات های آمریکایی و عراقی، پشت یک میز بنشینم، اما اگر خبرنگار باشند من هم می پذیرم که به عنوان خبرنگار، حضور داشته باشم. و من با هماهنگی هایی که با روزنامه جمهوری کرده بودم، به عنوان خبرنگار

روزنامه جمهوری اسلامی شرکت کردم؛ در حالی که خبرنگار هیچ رسانه ای نبودم. مناظره دوم هم در مهر ماه بود و این بار من به عنوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی که آن روز، نامش هنوز «پارس» بود، شرکت کردم، مناظره اول را در اوج تهدیدات آمریکا و آرایش ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس، این گونه آغاز کردم: «به نام خداوند قوی تر از ناوهای آمریکا» و این مناظره ای بود که «ادواردو» آن را دیده بود و به همین لحاظ هم تصمیم گرفته بود با من دوست شود. من تصور نمی کردم که پسر رئیس فیات، مسلمان شده باشد و او انتخاب کرد که به سراغ من بیاید.^{۱۵}

اسلاید ۲۳



شهدا میگفتن:

به نام خداوند آتش نمرود....

یعنی همان خدایی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در محاصره ی آتش نمرود نجات داد و آتش را برای او سرد کرد، امروز هم می تواند ما را از بنبست ها خارج کند.

اسلاید ۲۴



یا مثل ماجرای رود نیل و حضرت موسی علیه السلام وقتی که در محاصره ۳۶۰ درجه فرعون قرار گرفت وقتی که کار حضرت موسی علیه السلام به معارضة و رودررویی علنی با فرعون افتاد و بنی اسرائیل را جمع کرد که شبانه، حرکت کردند به بیرون شهر که فرار کنند و بروند و از دست فرعون خلاص بشوند، صبح که شد و یک مقداری روز بالا آمد، جاسوس‌های فرعون خبر دادند که بنی اسرائیل شهر را خالی کرده‌اند و همه رفته‌اند؛ فرعون دستپاچه شد که اینها حالا میروند یک جای دیگر و یک هسته‌ای درست می‌کنند؛ گفت جمع بشوید. لشکر را جمع کردند و پشت سر اینها راه افتادند؛ آنها پیاده بودند و بدون تجهیزات میرفتند - یک مشت مردم بودند؛ زن، مرد، بچه - اما اینها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه چیز؛ طبعاً زود به آنها میرسیدند؛ اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید؛ الان محاصره ۳۶۰ درجه می‌شوند از پشت سر لشکر فرعون و از روبرو هم رود نیل با آن عرض و عمق که مثل دریا دیده می‌شد دستپاچه شدند. گفتند که یا موسی! الان به ما میرسند، ما را میگیرند و قتل‌عام میکنند. حضرت موسی در جواب گفت: قالَ كَلَّا، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ^۶. [گفت]، چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد! بعد هم خدا کمکشان کرد و آب دریا شکافته شد و خدا از محاصره ۳۶۰ درجه، نجاتشون داد.

خوش به حال اونکه به خدا وصل باشه . خدا تو تیمش باشه

اسلاید ۲۵

وقتی به خدا وصل بشی: خدا میاد کمکت، قوی میشی



به نام خداوند غار ثور

یکی دیگه از جاهای جالبی که خدا قدرتش رو به رخ عالم کشید، ماجرای غار ثور بود که جان پیامبر گرامی اسلام را با ضعیف‌ترین ابزار دنیایی که همان تار عنکبوت باشد نگاهداشت. کسی که همراه پیامبر اکرم بود در آن غار، از ترس خودش را باخته بود و حضرت رسول او را به این نکته ی مهم که خدا کنار ماست، توجه می دهد.

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^{۱۷}

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت) در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد و با لشکریایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است و خداوند عزیز و حکیم است!

اسلاید ۲۶

وقتی به خدا وصل بشی: خدا میاد کمکت، قوی میشی



به نام خداوند شن های طبس

یا در همین زمان معاصر هم اتفاقاتی اینچنینی افتاده مثل سقوط آمریکاییان در صحرای طبس. در یکی از حساس ترین برهه های نظام مقدس جمهوری اسلامی، خدا ماموران کوچک خودش را فرمان داد که کشور را از شر آمریکایی ها که با پیشرفته ترین هلی کوپترها و هواپیماها به خیال خام خودشان قصد انجام عملیات در این خاک را داشتند، زمینگیر و رسوا کند.



یکی دیگه از اتفاقاتی جالب و بزرگی که با کمک خداوند در این زمانه رقم خود، بحث دستگیری ملوانان نیروی دریایی متجاوز آمریکایی بود، ماجرا از این قرار بود که:

روز سه شنبه ۲۲ دی ماه سال ۱۳۹۴ باراک اوباما رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا طی سخنانی در نشست کنگره عنوان کرد که «آمریکا قدرتمندترین کشور روی کره زمین است، دیگران حتی به ما نزدیک هم نیستند، هزینه‌ای که ما برای نیروی نظامی خود می‌کنیم از جمع بودجه نظامی هشت کشور بعد از ما بیشتر است، نیروهای نظامی ما بهترین جنگجویان در طول تاریخ جهان هستند»؛ اما تنها چند دقیقه پس از سخنرانی وی و در حالیکه هنوز عرق روی پیشانی او خشک نشده بود، ۱۰ تفنگدار آمریکایی با تمامی تجهیزات و ادوات نظامی مدرن و پیشرفته در آبهای خلیج فارس و در نزدیکی جزیره فارسی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دستگیر شدند. جزیره‌ای که شاید تا پیش از این کمتر کسی نام آن را به گوش شنیده بود اما خیلی سریع به عنوان محل شهادت و شجاعت فرزندان رئیس‌علی در کانون توجهات قرار گرفت.^{۱۸}

این حرکت سربازان ایران، هیمنه‌ی پوشالی آمریکا رو برای چندمین بار جلوی چشم جهان، شکست؛ و کسی جز خداوند پشتوانه‌ی این اقدام شجاعانه‌ی سربازان ایرانی نبود.

تنها راه در تمام محاصره‌ها این است که باید منقطع از دیگران شد و متصل به خدا شد. از همه دل‌کنند و فقط به خدا دل بستن.

محاصره ۳۶۰ درجه انواعی دارد:

محاصره ۳۶۰ درجه نظامی و جنگی و امنیتی،

محاصره ۳۶۰ درجه اقتصادی و گرفتاریهای مالی و تحریم اقتصادی،

محاصره ۳۶۰ درجه اجتماعی و آبرویی و حیثیتی،

محاصره ۳۶۰ درجه بد اخلاقی (غرور و خودخواهی و حسد و غیبت و... دوره ات کنند)

محاصره ۳۶۰ درجه جمعیتی و نسل و نیروی انسانی،

محاصره ۳۶۰ درجه مشکلات و گرفتاری و ناامیدی،
محاصره ۳۶۰ درجه خلاف و گناه،
محاصره ۳۶۰ درجه درد و مریضی،
محاصره ۳۶۰ درجه دعوای خانوادگی و تعامل با اطرافیان،
محاصره ۳۶۰ درجه.....

اسلاید ۲۸



۲- دومین چیزی که خداوند برای کسی که به او متصل شود رقم می‌زنه اینه که ترس او را در دل دشمنانش قرار می‌ده. خداوند بر اهل ایمان، آرامش و سکینه نازل می‌کند و بر کافران، دلهره و وحشت مستولی می‌سازد، «فَتَّبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ»^{۱۹}.

سردار فدوی خاطره‌ای تعریف می‌کند که وقتی سربازان آمریکایی قایق متجاوز را در خلیج فارس دستگیر کرده بودند، خودشون رو از ترس خیس کرده بودند.

امام باقر علیه السلام فرمود: **الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ**^{۲۰}، امام زمان ما بر اثر رعب و ترسی که در دل‌های مخالفان ایجاد می‌شود، پیروز می‌گردد، زمین در اختیار او قرار می‌گیرد، آوازه آن حضرت و لشکرش چنان رعب آور است که شهرهای دور دست که با لشکر امام به مسافت یک ماه راه رفتن، فاصله دارند، از ترس برخورد نظامی و درگیری با امام، سلاحهای خود را بر زمین می‌گذارند یا با بلند کردن پرچم تسلیم می‌گردند، و یا از پیشاپیش لشگر او می‌گریزند.

^{۱۹}سوره انفال آیه ۱۲.

^{۲۰}تفسیر نور الثقلین ، جلد ۲ ، صفحه ۲۱۲.



این همون نکته ایه که حاج قاسم هم توی صحبتهاش به ما گفته بود.



فیلم بارزانی و اسیر داعشی:

داعشی‌ها وقتی نام حاج قاسم را می‌شنوند، به هم می‌ریزند و شیرازه سپاهشون از هم می‌پاشه. ترس تو دلشون میوفته. اینکه حاج قاسم و ابومهدی المهندس چه داشتند که دیگران مثل بارزانی نداشتند، چی بود که به حاج قاسم این ابهت رو میداد که اسمش لرزه به تن داعش مینداخت، اون خدا بود. حاج قاسم خدا داشت. بارزانی و دیگران سعی داشتند که با ابزار دنیایی و توسل به آمریکا و عربستان و پیروز بشند، ولی حاج قاسم فقط به خدا تکیه داشت و از او کمک می‌خواست. ^{۲۱} إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا قَطْعًا خدایم از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می‌کند ماها خیلی تو زندگی هامون گیر میوفتیم. خیلی جاها کم میاریم. خیلی جاها می‌ترسیم. می‌ترسیم بچه‌دار بشیم. می‌ترسیم ازدواج کنیم. می‌ترسیم

مگه این وضع ما، مشکل ما و این محاصره ۳۶۰ درجه‌ای مشکلات ما، از وضعیت حاج قاسم تو اون ۳۶۰ درجه بدتر بوده؟ خدای حاج قاسم همون خدای ماست. فقط باید به او تکیه کنیم. مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^{۲۲} هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. یعنی هر کی، از هر کجا، تو هر مشکلی، چه حاج قاسم چه دیگری!!، فقط کافیه باهاش آستی کنیم و رو کمکش حساب کنیم

اگر به خدا متصل باشیم، ترسی نخواهیم داشت و همه ترس‌های ما تبدیل به اعتماد به خدا می‌شود این ترس است که ما را از انجام کارها باز می‌دارد و اگر ترس را کنار نگذاریم، کارهایی که باید انجام دهیم را زمین می‌گذاریم. شیطان هم در اینگونه موارد دائماً با وسوسه‌هایش ترس به دلما می‌اندازد. هر اندازه که به سمت خدا برویم، ترس ما کمتر می‌شود. **إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{۲۳}** تنها این شیطان است که می‌ترساند دوستداران خود را، شما مسلمانان از آنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمانید.

اسلاید ۳۱



حاج قاسم از هیچ کس و هیچ چیز نمی‌ترسید و هیچ محاصره‌ای جز محاصره‌ی دژ محکم خدا برایش معنا نداشت. به همین خاطر یکی از دعاهایی که حاجی خودش به خواندنش پایبند بود و رزمنده‌ها را به خواندن آن توصیه می‌کرد، خواندن این دعا بود:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تَرِيدُ

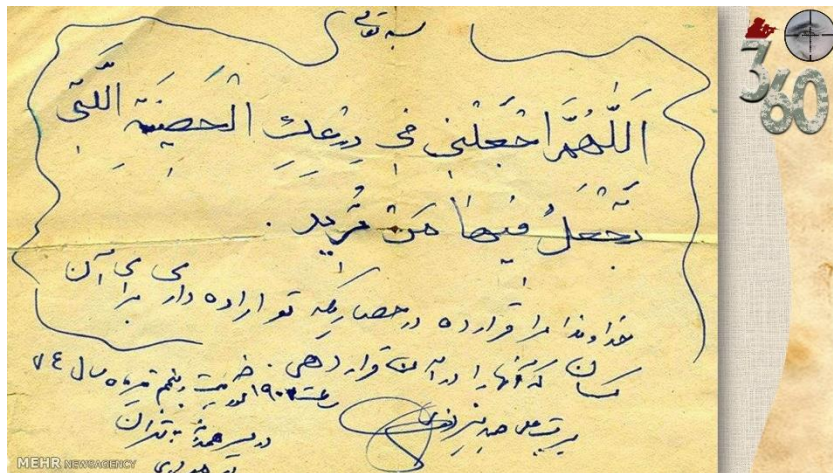
این دعا، دعای بسیاری از شهدای ما بوده؛ یکی از رزمنده‌ها خاطره‌ی جالبی را از شهید صیاد شیرازی نقل می‌کند: در همان ایام زمانی که ایشان قصد برگشت به تهران را داشتند، من نیز برای انجام ماموریتی باید به تهران می‌آمدم و متوجه شدم که هواپیمای حامل ایشان یک جای خالی دارد. به هر ترتیب سوار آن هواپیما شدیم که شهید صیاد شیرازی به من اشاره کرد و گفت که بیا و کنار من بنشین، در طول مسیر با یکدیگر مشغول صحبت بودیم که ایشان بر

^{۲۲} سوره طلاق آیه ۳

^{۲۳} سوره آل عمران آیه ۱۷۵

روی کاغذی دعای «اللهم اجعلني في درعك الحصينه» را نوشتند و به من دادند. بعدها نیز که یک مشکل اداری برای من رخ داد، با کمک مرحوم صیاد شیرازی این مشکل مرتفع گردید.

اسلاید ۳۲:



اسلاید ۳۳:



کسانی که روی خدا حساب کردند در حقیقت یک ویژگی رو در خودشان پررنگ کردند. و آن مراقبت بوده و این حالت رو هم از خودشون دور نمی کردند. مراقب خودشون بودند که همیشه کارهاشون برای خدا باشه و اونچه که خدا می گه باشه. روی خدا حساب کردند مراقب بودند که هرچی خدا ازشون می خواد رو انجام بدن حتی تو بن بست ها و محاصره ۳۶۰ درجه و تو معرکه جنگ. حاج قاسم حتی تو معرکه جنگ مراقب بود که صاحب خانه ای که به اجبار از آن استفاده کرده بودند، راضی باشد و برای جلب رضایت او نامه ای گذاشت تا او بخواند. این مراقبه باید دائمی باشد. در گفتار و رفتار انسان باید باشه. انسان باید از حال خوب خودش مراقبت کنه. حتی تو معرکه جنگ هم باید مراقبت داشته باشه. این همان تقوا است.

حواسه هست که حواسش هست! و این یعنی عالم محضر خداست. اگر دائماً خدا رو جلوی چشمت بدونی اون موقع میاد روی تو حساب می کنه و هواتو داره و میاد وسط ها!

خیلی از ماها به محض اینکه تو یه مشکل محاصره میشیم، اولین کاری که می کنیم حرف خدا رو زمین میداریم. یعنی مراقب ایمانمون نیستیم. راحت تهمت میزنیم، غیبت می کنیم، حق و ناحق می کنیم. حاج قاسم توی میدون جنگ حواسش به حق الناس بود؛ اما بعضیا توی همین شرایط عادی زندگیشون، اصلا مراعات حقوق مردم رو نمی کنند. به راحتی حق همسایه، همکار، دوست و رفیق و زن و بچه رو ضایع می کنیم. خب اینا همه ش حق الناسه. کسی که روی خدا حساب می کنه، یکی از نشونه هاش اینه که حواسش به حلال و حرام خدا هم هست. مراقبه که گناه نکنه. این بدونید که اگر حواسمون نباشه، گناهان کوچیک تو معرکه های بزرگ پامونو می لرزونه! تو محاصره ۳۶۰ درجه خلاف و گناه، هم فقط خدا می تونه نجاتمون بده.

شهید صدرزاده می گه وقتی می خوای آرپی جی بزنی تمام تعلقات میاد جلوی چشمت. لذا باید مراقب خودمون باشیم.

اسلاید ۳۴:



ما فکر می کردیم أَشْجَعُ النَّاسِ کسی که دوره های نظامی رو دیده باشه و بتونه بهترین ترندهای نظامی رو پیاده کنه. فکر می کردیم أَشْجَعُ النَّاسِ اون آدم خوشتیپه است. أَشْجَعُ النَّاسِ اونیه که زور بازوش بیشتره، هیکلش درشت تره، هرکی که خط و خال رو بدنش بیشتره؟ نه! أَشْجَعُ النَّاسِ کسی که به هوای نفسش غلبه کنه و امر خدا رو به خواست نفسش ترجیح بده. وقتی که گناه و دل بخواهی و هوای نفس دوره ات کرد، تو محاصره ۳۶۰ درجه گناه گیر افتادی، تو نفس و شیطان را با اتکا به خدا ۳۶۰ درجه محاصره کن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ^{۲۴} شجاعترین مردم، کسی است که بر هوا و هوس خود غلبه کند. هوای نفس چیه؟ همونیه که می گی دوست دارم. اینجوری حال می کنم، عشقم می کشه. خوبه که خدام تو رو بندازه تو جهنم؟!،،،، اعتراض کنی بگه دوست دارم. عشقم می کشه، بنده خودمی؟!!

این مسیر هم سن و سال نمیشناسه؛ از پیر این مسیر مثل حاج قاسم تا نوجوانی مثل شهید علی لندی، شجاع و نترس میشن.

^{۲۴} معانی الأخبار ج ۱ ص ۱۹۵.



به قول شهید علی چیت سازیان:

اگر چنانچه از سیم خاردار میخواهی رد بشوی، اول باید از سیم خاردار نفست عبور کنی^{۲۵}. وقتی گرفتار خودمان هستیم، نمیتوانیم کاری انجام بدهیم؛ این را آنها به ما یاد دادند؛ این را آن جوان ۲۰ ساله یا ۲۵ ساله‌ی رزمنده به ما تعلیم داد، از آنها یاد گرفتیم؛ این یک ثروت عظیم است.»^{۲۶}



این مصاحبه‌ی زیبا رو از شهید مدافع حرم حسن عبدالله زاده ببینید؛ دقیقاً داره همین مطالب رو میگه.

^{۲۵} نقل شده توسط شهید حاج علی خوش‌لفظ در کتاب «وقتی مهتاب گم شد».

^{۲۶} بیانات ۱۶/۱۲/۹۵.



حاج قاسم کسی بود که فقط به خدا تکیه داشت و فقط به خدا اعتماد می کرد. حاج قاسم کسی بود که فقط روی خدا حساب می کرد. برای همین هم فقط از خدا حساب می برد. چون خدا ترس بود، خدا دشمنان را ازش ترسوند. امام صادق (علیه السلام): من خَافَ اللَّهَ أَخَافَ اللَّهَ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ وَمَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ أَخَافَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.^{۲۷} هر که از خدا بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند و هر که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز می ترساند. ببینید اگر کسی از خدا بترسه، خدا چندتا کار برایش انجام میدهد: اول اینکه ترس تو رو تو دل دشمنات میندازه. دوم اینکه همه رو به اطاعت از تو وامیداره. (همه رو برات به خط می کنه) بعد هم محبت تو رو تو دل مردم میندازه و همه رو عاشقت می کنه. حتی اگر دشمنات دوست نداشته باشند. امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَحَبَّهُ النَّاسُ وَإِنْ كَرِهُوا.^{۲۸}

این وعده ی خداوند است که محبت افراد شایسته و با ایمان را در دل های دیگران قرار می دهد. این وعده کذب بردار نیست.

^{۲۷} اصول کافی ج ۲ ص ۶۸ ح ۳ .

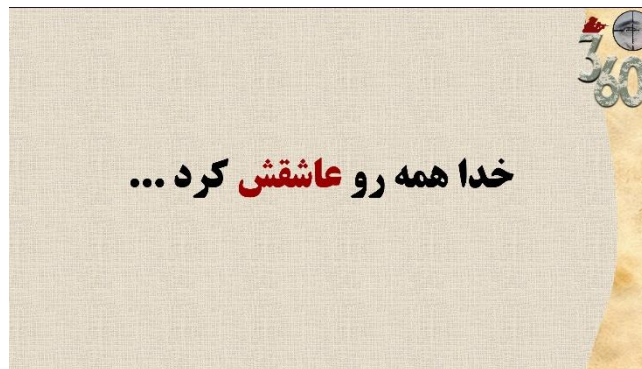
^{۲۸} بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص: ۷۹

^{۲۹} إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا سورة مريم آیه ۹۶ .



اینستا حاج قاسمو نمی خواست، نمی خواست تبلیغش بشه! حتی چشم حاج قاسم رو هم نمی ذاره پست بذاری! همه رسانه ها خواستند اونو تخریب کنند ولی خدا اونو تأییدش کرد. هی می خوان زمینش بززند، ولی خدا بلندش کرد. خدا خواست و عشق اونو تو دل همه جهان جا کرد. اینستا تیک آبی نداد، ولی خدا تیک سرخ عشق بهش داد.

اسلاید ۳۹



همه اومدن پشت حاج قاسم. چراکه تو محاصره ۳۶۰ درجه روی خدا حساب کردی و از همه بریدی! خدا هم همه عالم و آدم رو به پات ریخت. حتی رپر آمریکایی هم عکس حاج قاسم رو روی پیرهنش می زنه. حتی اونی که ظاهراً قبولش نداره و باهاش زاویه داره میاد و تو تشییعش براش گریه می کنه. حالا ببینید این تشییعی که موجش آرامی نداره و دائماً خروشان تر می شود.....

اسلاید ۴۰



هدیه نثار روح همه ی شهدا، از صدر اسلام تا کنون علی الخصوص شهید حاج قاسم سلیمانی عزیز و شهید ابومهدی المهندس باوفا همچنین جهت عاقبت به خیری خودمون و نسلمون، صلواتی عنایت بفرمایید.